

عنوان مقاله: تأملی در ادبیات حماسی عرب در عصر حاضر

نویسنده: زهرا رفیعی راد

منبع: زمستان ۱۳۷۹، سال چهل و چهارم - شماره ۴

صص ۳۹۷-۴۱۶

چکیده

- شرح شاعرانه از پهلوانی های قهرمانان اساطیری در راه حفظ کیان ملت و در قالب داستان های جذاب و اوزانی دلنشین و متنوع «شعر حماسی» نامیده می شود.
- **هر چند که ادبیات عربی با شعر حماسی به معنی اخص آن آشنایی نداشت،** در عصر حاضر و بنا به دلایل گوناگون، ادبیات حاسی در میان ادبای عرب مطرح شد و در آثار شعرای حماسه سرا نظیر احمد محرم ظهور یافت. از سوی دیگر خاصئص شعر حماسی به زیباترین شکل در آثار فوزی معلوف (سراینده حماسه علی بساط الريح) و شفیق معطوف (با حماسه عبقر) تجلی یافت و با جریان های ادبی عصر همراه شد و صفحات جدیدی به شعر حماسی افزوده شد که حتی در ادبیات حماسی هم سابقه نداشت.

واژه های کلیدی:

- ادبیات حماسی عرب، عصر حاضر، شعر تطبیقی، ادبیات هومری، حماسه های اسلامی.

مقدمه

تعریف لغوی حماسه

- حماسه به فتح اول یعنی دفاع و جنگ. این منظور در لسان عرب می گوید:
- «حمس الامر حمسا ای اشد و تحامس القوم تحامسا و حماسا ای تشادوا واقتتلوا
- که به معنی در هم آمیختن و کشتن به کار برده است(این منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ اول، لبنان، ج ۳، باب الحاء)
- نیزعرب لفاظ ملحمه را مترادف یا حماسه می داند و ترجمه ملحمه را غالبا حماسه بیان می کند.

- در لسان عرب ملحمه به معنی جنگ بسیار بزرگ است و تاء مربوطه در آن دلالت بر کثرت دارد. یعنی جایی که در آن جنگ تن به تن بسیار است (همان منبع، جلد ۱۲ باب اللام) در زبان انگلیسی از حماسه با کلمه Epic تعبیر می شود که به معنی خرافه و داستان های رزمی است

جنگ بسیار بزرگ

ملحمه

معنا و مفهوم حماسه

- حماسه زاده اسطوره است. یعنی اسطوره می پرورد، در می گسترد و زمینه آفرینش فرهنگی را پدید می آورد که آن حماسه است (کزازی، میر جلال الدین حماسه، اسطوره، رویا، ص ۱۸۳)
- اما اسطوره تاریخی است مینوی شده و از خودآگاهی به ناخودآگاهی رسیده، در هر پدیده ی حماسی دو ناساز (Paradoxe) رویاروی یکدیگرند، اسطوره، داستان ها و اتفاقاتی است که زاینده خیال است و دارای دیدگاه جهان شناسی می باشد.

از خودآگاهی به ناخودآگاهی

- اسطوره به همراه حماسه ها از مینویه گیتی می آید و جنبه گیتیگ به خود می گیرد. روندهای گیتیگ شدن، بنیادها و نمادهای اسطوره ای ساز و کارهای حماسی را پدید می آورد. رویارویی خدایان و پدیده های مینوی که در سرشت حماسی است، اندک اندک به رویارویی پهلوانان بزرگ و آئینی می انجامد. در این خصوص می توان به جنگ های ایرانیان و تورانیان، بزم و رزم، مهر و کین، نوش و نیش اشاره کرد (همان منبع، صص ۱۸۶-۱۸۷)

بنیادها و نمادهای اسطوره ای ساز و
کارهای حماسی

- دکتر ذبیح الله صفا درباره اسطوره ای بودن حماسه می گوید: «حماسه جنبه اسطوره ای دارد و هر چند از جنبه اساطیری و ابهام روایات کاسته شود و وقایع تاریخی در حماسه راه یابد از ارزش حماسی روایت کاسته می گردد و بر ارزش تاریخی آن افزوده می شود(صفا، ذبیح الله، حماسه سرایی، ص ۱۱)

ارزش تاریخی آن

معنا و مفهوم شعر حماسی

ارسطو در تعریف شعر حماسی گوید: در حوزه شعر، سه ساختار بنا شده است: **تراژدی**، **کمدی** **حماسه**. در حماسه یک نوع تقلید و محاکات وجود دارد که به وسیله وزن از احوال و اطوار مردمان بزرگ انجام می شود و وزن واحدی دارد و طولانی می باشد (ارسطو، فن الشعر، ترجمه دکتر زرین کوب، ص ۱۲۱)

ویژگی های شعر حماسی

- ۱- شعر حماسی از آه از برخوردار است که معمولاً با خطاب الهه با یکی از قدیسان آغاز می شود و طبق عقاید هر ملیتی یا مذهبی صورت می گیرد.
- ۲- ابهام در زمان و مکان که هر چه بیشتر باشد حماسه ممتازتر است.
- ۳- شعر حماسی باید مدت ها پس از حوادثی که از آنها سخن می گویند به وجود آمده باشد.
- ۴- در عین توصیف قهرمانی ها و مردانگی های قوم، نماینده عقاید و آرا و تمدن او نیز باشد. (صفا، ذبیح الله، حماسه سرایی، صص ۷ و ۹)
- ۵- سادگی موضوع یعنی حماسه باید از سادگی برخوردار باشد.
- ۶- پرداخت شدن موضوع حماسه همراه با خیال غنی تراوش شده از ذهن شاعر

ویژگی های شعر حماسی

- ۷- داشتن اسلوب روایی (داستانی)
- ۸- داشتن گفتگو (گفتگوی حماسی Epic dialoga)
- ۹- اعما خارق العاده (شمیسا، سیروس، انواع ادبی، ص ۶۵)

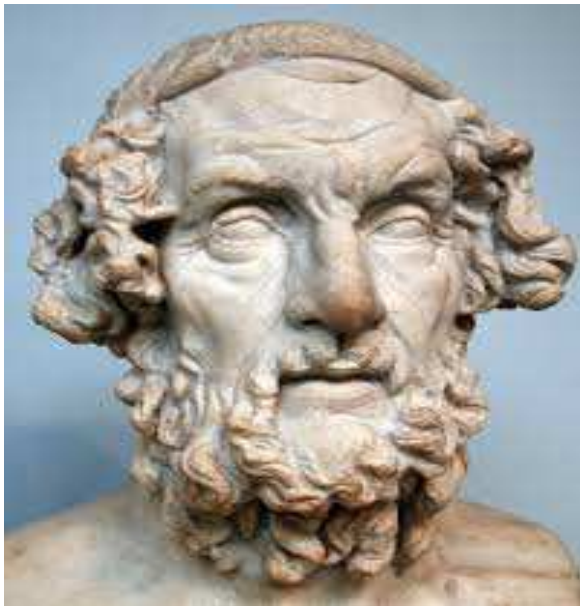
عناصر شعر حماسی

- ۱- موضوعی با موضوعاتی که انگیزه جنگ ملت ها است ۲- جهان حماسی بر اساس باورهای اساطیری ۳- قهرمان یا قهرمانان حماسه (ترحینی، فایز، الادب انواع و مذاهب، ص ۲۱) ۴- عنصر داستان ۵- عصر اغراق و مبالغه ۶- اسطوره (Myth) ۷- تصویر حماسی ملت ۸- عنصر دین که سبب پرورش خوارق می شود.
- باید توجه داشت که شعر حماسی انواع مختلفی دارد که شامل حماسه های سنتی (Epics Primary)، مانند ایلید، حماسه ثانوی (Literary Epic) نظیر انه ئید و حماسه های متاخر (Teritay Epic) می باشد (شمیسا، سیروس، انواع ادبی، ص ۵۲)

- از سوی دیگر میان شاعر حماسی با مورخ، تفاوت عمیقی وجود دارد چه شاعر حماسه سرا بدون ذکر زمان رخداد به بیان آن می پردازد در حالی که مورخ طبق نظم و ترتیب خاصی حوادث را به تصویر می کشد، ضمن این که مورخ هر چه را که می گوید تخیل نمی کند در حالی که شاعر حماسه سا عناصری از خیال شاعرانه را در ساخت حماسی خود به کار می برد، و تاریخ را با زبانی تخیلی به تصویر می کشد(بول، وان نیگم، المذاهب الادبیه الکبری، ص ۶۲، نیز ر ک بستانی، سلیمان، مقدمه ترجمه ایلید، ص ۱۶۶)

طبق نظم و ترتیب خاصی

تاریخچه شعر حماسی



- به طور کلی شعر حماسی در میان هندوان، پارسیان، یونانیان، مصریان و ... وجود داشت . هندیان با حماسه رامایانا (پنجم پیش از میلاد) و ایرانیان با حماسه معروف شاهنامه و یونانیان با حماسه ایللیاد اثر هومر معروفند، رومیان و فرانسویان و ژرمن ها نیز حماسه داشتند.

هومر

حماسه در ادبیات عربی

- هر چند که عرب حماسه ای مستقل و معروف در جهان نداشت، در عصر جاهلی لفظ حماسه در میان شعرا بسیار شایع بود و قطعات مبتنی بر بیان مفاخر و امجاد قبیله در قالب رجز و در میادین جنگ از قهرمانان و جنگاوران عرب بر جای مانده است که حاکی از وجود روح حماسه در میان اعراب جاهلی بود. ناقدان تعلقات را اساس حماسه های عرب می دانند چرا که به شعر داستانی نزدیکتر است (بستانی، سلیمان، مقدمه، ترجمه ایلان، ص ۱۷۲)

بیان مفاخر و امجاد قبیله در قالب رجز



سلیمان بستانی

- استاد سلیمان بستانی مترجم ایللیاد هومر می گوید: «وقتی ایللیاد را ترجمه می کردم متوجه شدم که عرب در وصف صحنه جنگ توانا تر از یونان است، حتی گنجینه لغوی عرب در فنون جنگی بیشتر از یونان می باشد. مثلا اسب جنگی خود انواع داشت: اجید (اسب درازگردن) اجره (اسب، کم مو) رعیل (گروه اسبان) و ...» (همان منبع، ص ۱۹۳، ۱۹۵)

- هر چند که ذخیره لغوی غنی و امجاد قبیله ای در میان اعراب وجود داشت و قهرمان حماسی نظیر عنتره، مرکز ثقل اثر حماسی بود و الفاظ فراوان حماسی نظیر **مِغوار**، **باسِل**، **نجد**، **بطل**، **کمی**، **مغامر الحماسه**، **الملحمه**، در اشعار عرب به کار می رفت (الهمدانی، عبدالرحمن بن عیسی، الالفاظ المتابیه، صص ۶۲-۶۵) متاسفانه شعر حماسی در میان شعرای جاهلی ظهور نکرد.

الفاظ فراوان حماسی

- در عصر اموی با وجود تاکید بر ملیت عرب، شعر حماسی مجال ظهور نیافت آنهم به دلیل حاکمیت فضای خشک سیاسی که عرصه را بر تخیل شاعرانه و عاطفه دقیق تنگ می کرد (ابوحافه، احمد، فی الشعر الملحمی، ص ۱۱۵)

تاکید بر ملیت عرب

- و در عصر عباسی که عرب ملت واحده شده بود و تخیل و قصه در میان شعرا به اوج خود رسیده بود، شعر حماسی مجال بیشتری برای عرض اندام یافت. از سوی دیگر در اثر ارتباط با ایران زمینه ظهور شعر داستانی از طریق شعرایی چون «ابان بن عبدالحمید بن لاحق بن عقیق» (۲۰۰ هجری) فراهم شد که مطوله های (داستانی) نظیر کلیله و دمنه را به نظم کشند.

ملت واحده

- ضمن اینکه مدح خلفا و ذکر فتوحات و مغازی آنان نیاز به اشعار طولانی داشت که شعرا را به سمت تطویل در قصاید سوق می داد و سبب تشکیل ارجوزه هایی در بحر رجز می شد و زمینه ظهور رجازی چون محمد بن عبدربه، ابن معتز و ابوالاغلّب العجلی را فراهم می کرد (کفافی، عبدالسلام، الادب المقارن، ص ۲۷۵) در مجموع شعرای عصر عباسی، موفق به تشکیل شعر حماسی نشدند چرا که غوطه ور شدن در بحث های فلسفی خشک و عدم عنایت به شعر حماسی نظیر شاهنامه یا ایلیا، ظهور شعر حماسی را مسکوت می گذارد.

غوطه ور شدن در بحث های فلسفی خشک



• استاد عبدالمنعم خفاجی، معتقد است که ادبیات عرب، فاقد شعر حماسی به معنی اخص و فنی آن بود. اما در ادبیات مردمی حماسه هایی مردمی نظیر ابی زید هلالی، زیر سالم، ظاهر بیبرس و عنتره وجود داشت و اگر مقصود از شعر حماسی جمع میان تاریخ و حوادث باشد، که شعر عرب پر از این گونه شعرها است (خفاجی، عبدالمنعم، الادب العربی الحدیث، الجز الثالث، صص ۱۰۹، ۱۱۱)

عبدالمنعم خفاجی



• دکتر شوقی ضیف، علت عدم توفیق عرب در سرودن شعر حماسی را به کوتاهی مقطوعات آن نسبت می دهد و تنفس کوتاه شعری را علت عدم تاسیس شعر حماسی، مطرح می نماید نیز عدم آشنایی اعراب نسبت به شعر نمایشی را به آن عوامل اضافه می کند(ضیف، شوقی، دراسات فی الشعر العربی المعاصر، صص ۴۴-۴۵)

شوقی ضیف

شعر حماسی عرب در عصر حاضر

• **آغاز قرن نوزده میلادی**، آغاز تحولات و تطورات وسیعی در همه زمینه ها به خصوص ادبیات بود. این تحولات به حدی سریع بود که در فاصله کوتاهی همه جای جهان را فرا گرفت. به ویژه جهان عرب را زیر پوشش خود قرار داد. وقوع جریان های عمده نظیر گرایش نئوکلاسیکی، رمانتیکی، سمبولیکی و ... در ادبایت جهان شایع شد.

- ادبیات ارزشمند عربی که از دیرباز با تحولات دگرگونی های ادبی آشنا بود، اینک در آستانه شکوفایی دیگر قرار گرفت و با امتزاج با ادبیات اروپا، مهجر و جریان های سیاسی- اجتماعی- ادبی داخل کشورهای عربی، دست به احیای مجدد عظمت گذشته خود و ساختن آینده ای روشن برای نسل های بعدی علم و ادب زد. یکی از این احیاگری ها تطور و شکوفایی ادبیات حماسی بود که همگام با جریان های ادبی و هم صدا با گرایش های ادبی نظیر رمانتیسم، سمبولیسم و ... ایجاد شده بود که به ابداعی جدید در عرصه ادب پرداخت .

جریان های سیاسی- اجتماعی- ادبی



جمیل صدقی زهاوی

• از پیشگامان این گرایش ادبی جدید (حماسه سرایی) در کشورهای مختلف عربی از مصر گرفته تا لبنان و عراق و مهجر و عربستان و سوریه، چهره های شاخصی را می توان یافت. این ادبا، ضمن احیا و پی گیری شعر تعلیمی دست به شکوفایی آن شعر، مطابق با مقتضیات جامعه خود زدند و همراه با تحولات ادبی حاکم بر کشورشان به پویایی آن پرداختند. سلیمان بستانی احمد شوقی، حافظ ابراهیم، فوزی معلوف، خلیل مطران، جمیل صدقی زهاوی، نسیم عریضه، پولس سلامه، احمد محرم و ... از حمسه سرایان معاصر عربند که هر یک به نوعی مراحل تکامل شعر حماسی را پیمودند و آن را به اوج قله معرفت و عرفان رسانیدند.

علل تطور شعر حماسی عرب در عصر حاضر

- آنچه سبب شد شعر حماسی به سرعت در عصر حاضر رشد کند، رویکرد شعرا به سمت تطویل شعری و تخیل عمیق و ملی گرایی بود. ضمن اینکه عناصری بلاغی نظیر استعاره با شکوه و ایقاع حماسی به آن اضافه شد.
- عوامل تمهیدی ظهور شعر حماسی عرب در عصر حاضر عبارتند از: ۱- نهضت ترجمه ۲- استشراف ۳- تطور شعر داستانی ۴- تطور شعر تعلیمی ۵- مطرح شدن نهضت و ملیت عرب

تطویل شعری و تخیل عمیق و ملی گرایی

۱- نهضت ترجمه



عبدالوهاب عزام

- این نهضت تحول عظیمی در افکار ادبای عرب پدید آورد، چه ترجمه های فارسی چه ترجمه های اروپایی، ترجمه ایللیاد هومر توسط سلیمان بستانی (حطیط کاظم، اعلام و رواد فی الادب اعرابی، ص ۱۸۴-۱۸۶) و ترجمه شاهنامه فردوسی توسط دکتر عبدالوهاب عزام از مهم ترین کارهای فرهنگی عصر نهضت است که فتح بای بود در جهت آشنایی ادبای عرب با ادبیات حماسی.

۲- استشرق

- مقدمات ادبیات تطبیقی را در ادبیات معاصر عرب به وجود آورد، سبب شد مساله (Comparativst Literature) نقد تطبیقی در میان ناقدان به طور جدی تر دنبال شود.

۳- شعر داستانی

- قصه شعری که توسط خلیل مطران تبلور یافت ضمن اینکه گرایش های گوناگون ادبی نظیر رمانتیسم، سمبولیسم و ... در آن حل شد.
- به مدد شعر داستانی مساله حوار و گفت و گو در شعر شاعران حماسه سرا مطرح گردید (همان منبع، صص ۲۵۷، ۲۵۹)

مساله حوار و گفت و گو

۴- تطور شعر تعلیمی

- شعر تعلیمی در عصر عباسی شکوفایی عجیبی داشت. به مدد بحر عروضی رجز در جامعه عرب ظهور کرد که قصد آموزش علوم و معارف را داشت که بعدها به صورت ارجوزه هایی طولانی در مدح خلفا و ماجراهایشان در آمد.

عصر عباسی

پیشگامان شعر حماسی



• اولین زمزمه های شعر حماسی از شاعرانی چون احمد شوقی و حافظ ابراهیم شنیده شد که دریاب احیای امجاد تاریخ اسلام، اشعار طولانی از آنان بر جای مانده است، نیز عبدالحلیم معزی با ملامحه بکریه خود و شیخ محمد عبدالمطلب با قصیده حماسی علویه در حماسه امام علی (ع) و همچنین احمد محرم سراینده ایلید اسلامی از مهم ترین پیشگام شعر حماسی عرب در عصر حاضرند.

شیخ محمد عبدالمطلب



حافظ ابراهيم



احمد شوقي

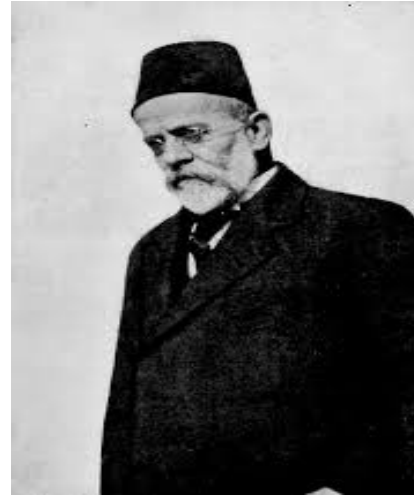
- زکی المحاسنی با «المحلمه العربيه» و کامل امین و عبدالمنهم خفاجی با «ملحمه السيره الخالده» از دیگر پیشگامان شعر حماسیند. استاد سلیمان بستانی به عنوان پایه گذار نقد تطبیقی و مترجم ایلید هومر به عربی از دیگر پایه گذاران شعر حماسی عرب است که مقدمه ای برای ظهور حماسه های «عبر» از شفیق معلوف و «علی بساط الريح» از فوزی المعلوف و «الملحمه المطرانيه» از خلیل مطران و «ملحمه الغدير» از پولس سلامه «ملحمه اهل البيت» از عبدالمنعم فرطوسی شد. در این بخش از مقال، سخن را کوتاه کرده به معرفی و نقد حماسه سرایان معاصر عرب می پردازیم.



فوزى المعلوف



شفیق معلوف



سليمان بستانى



زكى المحاسنه

سلیمان بستانی

- مترجم ایللیاد هومر به عربی منظوم است که مقدمه بسیار طولانی و وافی در باب نقد و مقایسه جاهلیت عرب و جاهلیت یونان و علت فقدان شعر حماسی در ادب عرب قدیم عرب آورده است. وی در اواخر سال ۱۸۸۷ به نظم ایللیاد هومر پرداخت و در ابتدا به مطالعه ترجمه های انگلیسی و ایتالیایی آن پرداخت تا بتواند ارتباط بهتری میان ملت خود و ملت های دیگر برقرار کند. (حطیط، کاظم، اعلام ورواد ص ۲۹۴)

نظم ایللیاد هومر



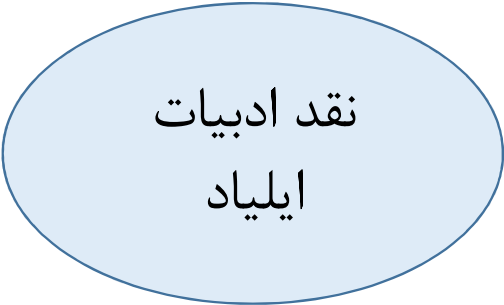
حنا الفاخوری

• استاد بستانی معتقد بود که همه ملت ها مایه افتخارشان داشتن حماسه و نمایشنامه است و از این که علمای عصر عباسی در بیت الحکمه از ترجمه ایلید غافل ماندند متالم می شد. لذا در صدد برآمد تا جبران مافات کند و ان را ترجمه کند و ایلید و ادبیات حماسی آن را به ملت عرب معرفی نماید(فاخوری، حنا الجامع فی الادب العربی الحدیث، ص ۱۶۲-۱۶۸) هارتمان (M. Hartman) در مورد ترجمه ایلید به عربی توسط بستانی در کتابش (De. Arab Frag) می گوید: « کاری که سلیمان بستانی در ترجمه منظوم ایلید کرد از شاهکارهای بسیار بزرگ و قابل تقدیر است» (دایره المعارف الاسلامیه، جلد ۷، ص ۶۲۸)

- مقدمه بستانی بر ایللیاد، شامل پنج باب است: همرو معرفی او، ایللیاد، مساله تعریف، ایللیاد و شعر عربی، خاتمه در این مقدمه، وی به شرح احوال راویان شعر و حماسه های عرب می پردازد. بستانی که در صدد یافتن نقاط مشترک میان شاعر عرب جاهلی و شاعر یونان است می گوید: « شاعر عرب در نظم اشعارش مثل شاعر یونانی بود، او هم شیطان داشت. آنجا پادشاهان بزرگ بودند که بر قبایل کوچک حکمرانی می کردند و به جدال می پرداختند و اینجا یونان و تراوا هم پیمانان جنگ جویی بودند که گاه در جنگ و گاه در صلح به سر می بردند.» (بستانی، سلیمان، ترجمه ایللیاد، ص ۱۰۵-۱۶۳)

یافتن نقاط مشترک میان شاعر عرب جاهلی و شاعر یونان

- وی در بخش دیگری از مقدمه خود به نقد ادبیات ایللیاد می پردازد و ادبیات عربی را بر آن ترجیح می دهد، چه ادب هومری به دروغ پردازی های زیادی متوسل شده است و ادبیات عربی را ادبی راستگرا و صادق در احساس و عاطفه مطرح می کند. ضمن اینکه زبان و ادبیات ایللیاد از بین رفته و متروک شده در حالی که زبان و ادبیات عربی همچنان باقی است (همان منبع، ص ۱۱۳-۱۱۵)



نقد ادبیات
ایللیاد

- بستانی در ترجمه منظوم خود به وزن واحدی مقید نبود، بلکه به علت حجم بسیار بالای اشعار هومر، اوزان متعددی را برای آن در نظر گرفته است که با فضای حاکم بر آن بیت ارتباط نزدیک دارد:

زَحَفَ الطَّرَوَادَهُ عَنْ بُعْدٍ بِصَدِيدٍ عَالٍ مُشْتَدٍ

و دَوَىَّ يَقْصِدُ كَالرَّعْدِ

كَالزَّهْوِ إِذَا اشْتَدَّ الْمَطَرُ

وَالْقُرُ مَوَاطِنُهُ بَدَرُ

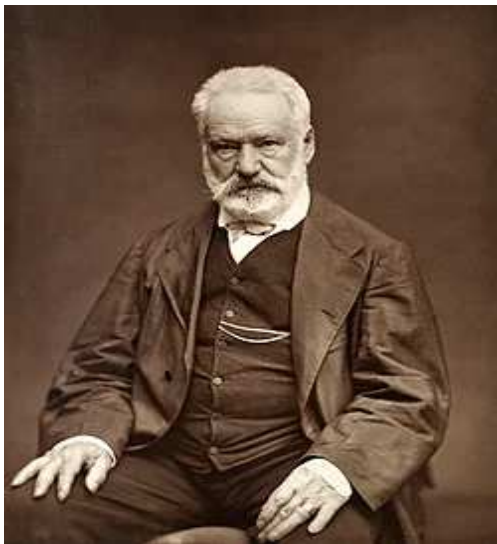
فِي الْجَوِّ تَعْجُّ لَهُ زُمَرُ

فَوْقَ الْأَقْيَانِسِ تَنْتَشِرُ

(بستانی، سلیمان، تعریب ایللیاده، صص ۳۱۱-۳۱۲)

احمد شوقی

- با قصاید حماسی چون کار **حوادث النیل (ملحمه مصر)** در ادبیات حماسی مطرح است وی با داشتن حمیت لازم در شعر حماسی در خصوص بیان فتوحات مسلمانان و گسترده‌گی قلمروی آنان و داشتن **قصایدی چون ابوالهول، کلوپاترا**، شخصیتی مهم در شعر حماسی عرب به شمار می‌رود (بستانی، پطرس، جلد ۳- ص ۲۸۱)
- نیز دیوان «**دول العرب و عظماء الاسلام**» از اوست که به سبک شعر تعلیمی، حوادث مهم تاریخ اسلام را به همراه قهرمانان آن به تصویر کشیده است (خفاجی، عبدالمنعم، الادب العربی الحدیث، الجزء الاول، ۷۷-۷۲)



ویکتور هوگو

- اما قصیده «**کبار حوادث النیل**» که تحت تاثیر قصیده «**اسطوره قرون**» ویکتور هوگو و قصاید متنبی است، وزن واحدی دارد و سادگی بیان حماسی در آن مشهود است (فاخوری، جنا، الجامع فی الادب العربی الحدیث، ص ۴۴۵) هر چند که فقدان عاطفه و تخیل حماسی در آن چشمگیر است و به تعبیر استاد دکتر عباس محمود عقاد رابطه رمانتیکی با طبیعت ندارد و صنعت بر ذوق غلبه کرده است (عقاد، عباس محمود، شعرا مصر و بیئاتهم، ص ۴۵) اما مقدمه خوبی برای شعرای حماسه پرداز معاصر عرب، نظیر احمد محرم و فوزی معلوف و شفیق معلوف بود.

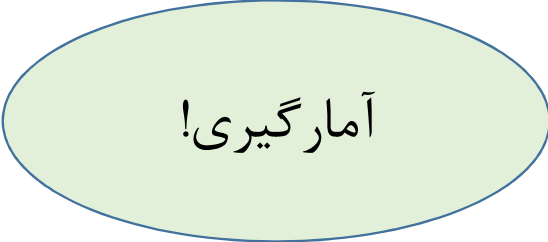
- وی در بخشی از این حماسه سروده:
- اجْفَلَ الْجِنُّ عَنْ عَزَائِمِ فِرْعَوْنَ وَ انْتَ لِبَاسُهَا الْاِبَاءُ
- شَادَ مَالِمُ يَشْدَ زَمَانُ وَ لَا اِنْ
- شَاعَصَرٌ وَلَا بَنَى بَنَاءُ
- مِصْرَ مُوسَى عِنْدَ اَتَمَاءٍ وَ مُوسَى

- مِصرُ ان كان نسبتهُ و انتماءُ
- وَلَدَ الرِّفْقِ يَوْمَ مَوْلِدِ عَيْنِي
- و المروءاتُ و الهدى و الحياءُ
- (شوقي، احمد شوقيات، جزء اول ص ١٧-٢٢)

احمد محرم

- با داشتن مجموعه اشعار حماسی و تاریخی به نام ایللیاد اسلامی معروف است. دکتر شوقی ضیف که در کتاب ارزشمند خویش «دراسات فی الشعر العربی المعاصر» به بررسی دقیق ایللیاد اسلامی احمد محرم پرداخته می گوید: «مبرهن است که محرم در ایللیاد اسلامی شعر حماسی نظیر ایللیاد هومر ندارد چه میان نظم سیه پیامبر و شعر داستانی تفاوت بسیار است. چون اولی جنبه تاریخی بر آن غلبه دارد و دومی با تخیل حماسی آراسته شده (ضیف، شوقی، دراسات فی الشعر العربی المعاصر، ص ۵۴) به نظر دکتر شوقی ضیف محرم نتوانست از فرصت های طلایی سیره پیامبر نظیر معراج، امداد های غیبی، ملائکه، جبرئیل و .. بهره جوید و در جهت ساخت شعر حماسی خود آن را به کار برد و ثنویت موجود در شعر حماسی را قوت بخشد.

- لذا کار وی به آمارگیری بیشتر شبیه است تا حماسی! البته با وجود وارد بودن این ایرادها، احمد محرم به عنوان مطرح کننده شعر حماسی در میان شعرای معاصر عرب، مقدمه خوبی به شمار می رود



آمارگیری!

فوزی معلوف

- وی از حماسه سرایان معروف معاصر عرب است که ملحمه «علی بساط الريح» را سروده است که رنگ آمیزی های عرفانی در آن چشمگیر است و مجموعه داستان هایی است که در عوالم برتر صورت گرفته و بر رهایی روح از جسم اصرار دارد و شرح مبارزات و پیکارهای انسان با دیو ماده است (حطیط ، کاظم، اعلام و رواد، صص ۳۹۱-۳۹۲)

- این قصیده مزيجی است از ادب قدیم و جدید عرب، امیخته ای از رساله الغفران ابو العلاء و سبک موشحات و تصوف اسلامی- مسیحی و نیز یادآور شعرهای ابن شهید اندلسی (التوابع و الزوابع) است.

- در این قصیده اشراق ها و خیزش های حماسی در پروازهای فرا جسمانی در نقطه ای خیال انگیز به اوج خود می رسد(همان منبع، ص ۳۹۵-۳۹۶) و نشانه ای از گریز رمانتیکی شاعر از واقعیت موجود است (جندی، اتمام، الرائد، الجزء الثاني، ص ۴۱۸) به هر تقدیر تلاش وی در بخش داستانی شعر حماسی قابل تحسین است. چرا که تخیلی کردن، شعر حماسی را زیباتر جلوه می دهد.

شفیق معلوف

- برادر فوزی از خانواده ای اندیشمند و ادیب بود. حماسه معروف وی «عبقر» (سرزمین اجنه و عقاربت) است. در این حماسه، اسطوره و خیال به اوج قله های بلندی رسیده اند به ویژه اسطوره های عربی نظیر اساطیر جاهلی ها، خرافه های فارس و یونان روم، مصر و بابل (جحا، میشال خلیل، الشعر العربی الحدیث من احمد شوقی الی محمود درویش، ص ۱۸۰)

اسطوره و خیال

- میخاییل نعیمه در «فی الغربال الجديد» درباره آن می گوید: شاعر در این سفر خیالی که به همراهی شیطان صورت می گیرد به عبقری ها (شعرا) می رسد که به صورت اسکلت هایی هستند و به کسوتی عربی درآمده اند (نعیمه، میخائیل، فی الغربال الجديد، ص ۴۸۳ - ۴۸۸)
- هم او نیز در بخشی از نامه خود به شفیق که درباره «عبقر» اوست نوشته «تو با این اقدام گام بزرگی در پرواز دادن شاعریت به عواملی برتر از عوالم محسوسات برداشتی چه عبقر تو-جهانی است که نه اشکالش جدی دارد و نه رنگ هایش را، پایانی است...» (نعیمه میخاییل، رسائل میخاییل نعیمه (المجموعه الكامله)، جلد ۸ ص ۴۲۹)

جمیل صدقی زهاوی



وی که به عنوان شاعری عالم، مطرح است و قصاید تعلیمی زیادی از وی بر جای مانده در باب شعر حماسی نیز یا قصیده بلند «ثوره فی الجحیم» معروف است.

این حماسه، شرح اسفار بعد از مرگ شاعر است که در عالم برزخ صورت گرفته که برگرفته از کمدی الهی دانته و رساله الغفران ابوالعلاء است و جنگ میان ملائکه و شیاطین را در جهنم که بر اثر انقلابی رخ داده به تصویر می کشد (فاخوری، حنا، الجماع، ص ۴۴۰)

جمیل صدقی زهاوی

الیاس ابوشبکه

- وی با حماسه معروف خود «غلواء» معروف است. رزوق فرج رزوق در مورد این قصیده می گوید: «اصلی ترین هدف شاعر از سرودن این قصیده بلند و حماسی بیان صورتی از جامعه معاصر و تمدن کنونی در قالب داستان است. به طوری که جامعه را مستعد خیر و شر معرفی می کند. خیری به نام غلواء و سری به نام ورده (ابوشبکه، الیاس، مقدمه دیوان، ص ۳۵)

مستعد خیر و شر

- مجموعه مراحل (اسفار) چهارگانه: معرفی غلواء - مرحله عذاب درون - تجلی درونی و عفران را دارد (رزوق، فرج رزوق، الیاس ابو شبکه و شعره، صص ۱۵۲-۱۶۱)
- ایلیا الحاوی درباره غلواء می گوید: اسلوب روانی حاکم بر غلواء است که به گفت گوی حماسی معروف بوده و از سوی دیگر اسطوره های معروف عربی نظیر جمیل بزینه در آن چشمگیر است (الحایو، ایلیا، الیاس ابوشبکه، شاعر النعیم و الجحیم ، ص ۴۳-۹۶)

خلیل مطران و الملحمه المطرانيه



- وی تحت تاثیر ادبیات آلفرد دو موسه قرار داشت و به عنوان بنیانگذار نوگرایی در شعر معاصر عرب مطرح است. تفکر او مزیجی بود از عقل و عاطفه، فکر و خیال و ذوق سلیم (جحا، میثال خلیل، خلیل مطران باکوره التجدید فی الشعر العرب یالاحادیث، ص ۱۰۰)

خلیل مطران

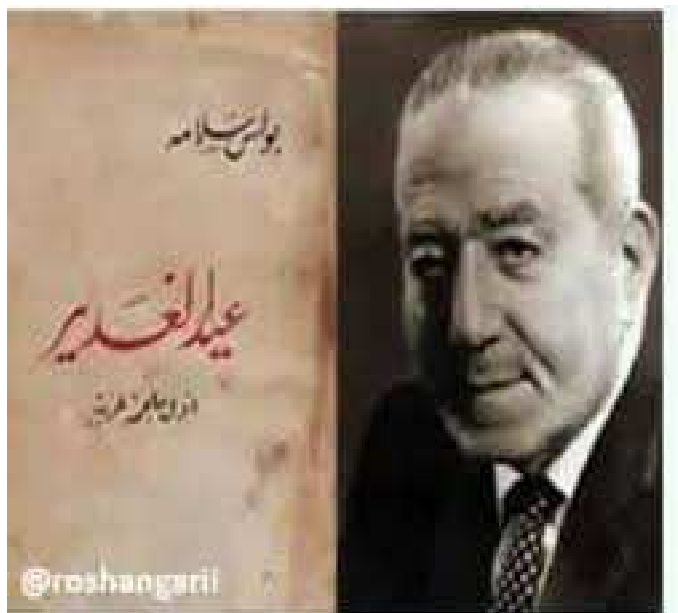
- نیز تکیه بر تاریخ، عنصر اصلی تفکرات او در داستان سرایی است. قصد اصلی وی از اشعار حماسی برانگیختن حس آزادی و آزادگی و قیام علیه ظالمین است. (عشقوفی، منیر، خلیل مطران، ص ۵۷) مهمترین قصیده حماسی وی قصیده «**نرون**» است که با استناد به تاریخ سروده شده است.

نسیب عریضه



- به شاعر الطریق معروف است. وی در این قصیده حماسی بلند با عنوان (علی طریق ارم) به تعبیر میخائیل نعیمه دست به نوآوری زده و جهان روحانی را به زیبایی به تصویر کشیده و اوزان و تقاطع و قوافی گوناگون را در آن به کار برده است که داشتن رسید انسان به ارم

نسیب عریضه



پولس سلامه

- ادبیات اسلامی باید از خصایص ادیب یونانی رها شود و قید و بندهای آن را بگسلد تا ادبی پویا را تشکیل دهد چرا که این ادبیات ملل دیگر است که نیازمند ادبیات غنی اسلام است (النحوی، عدنان علی رضا، ملحمه الاقصی، ص ۳۲)
- بنابراین ادبای اسلام باید هر گونه وابستگی خود را به آداب دیگر قطع کنند و با استناد حوادث و رخداد های تاریخ درخشان تاریخ اسلام ادبیات حماسی را به نمایش بگذارند. این مقصد عالی، توسط پولس سلامه بر آورده شد و ان همه شکوه تعبیر، تشبیهات و عبارات برگزیده و زیبا و تخیلات عمیق تجسید یافت:

- و اذا بالنبيّ في شبه رويّا
- تَكشِفُ الغيبَ و اُضحاً
- مَدَّ سَبَابَهُ يُشِيرُ الى الغبراءِ
- يُحصي مَضارعَ الأشقياءِ
- تَسْكُبُ الشمسُ في الأصيلِ شُفَاعاً
- يَبْعَثُ الدفءَ في صَمِيمِ البُذورِ
- بَلَغَ العائِدُونَ بَطْحَاءَ خُمْ
- فَمَكَانُ الرُّكبانِ في التَّنُورِ... (سلامه، پولس، ديوان، ص ١١٨)

عبدالمنعم فرطوسی



عبدالمنعم فرطوسی

- وی از ادبای شیعه معاصر است که در خصوص اهل بیت به نظم حماسه ای طولانی پرداخته که آن را در ۲۰ هزار بیت سروده است:
- جاءَ جبریلُ بالبُرَاقِ الیهِ
- و هو فی مَوَکِبٍ مِنَ الاضواءِ
- قالَ هذا محمدٌ حینَ ابدی
- شده الامتناعِ فی الابتداءِ
- فارتقی فوقَ ظهره فَتَامی
- یسبقُ البرقَ طائراً فی الهوائِ
- (فرطوسی، عبدالمنعم ملحمه اهل البيت، الجزء الاول، ص ۲۵۲-۲۵۳)

لازم به ذکر است شعرایی نظیر عزیز اباضه با حماسه من اشراقات السیره الزکیه و ثروت اباضه با حماسه تاریخی خود صلاح لبکی با حماسه «من اعماق الجبل» و حلیم و دموس با حماسه من اناشید الملحمه العربیه الکبری و زکی المحاسنی با حماسه «الملحمه العربیه» بر نازک ادبیات حماسی درخشیده اند که به علت ضیق مجال در این مقال وجیز و به آنها پرداخته نشد...



زکی المحاسنه



صلاح لبکی



عزیز اباطه

نتیجه

- ادبیات حماسی در عصر حاضر، میان ادبای عرب به معنای اخص آن مطرح شده است و ارتباط با ادبیات فارسی (شاهنامه فردوسی) و ادبیات اروپایی (ایلیاد هومر) ادبای عرب را به سمت احیای اسطوره های تاریخ درخشان اسلام سوق داده است.
- از حماسه پردازان معاصر عرب، آثار حماسی فراوانی بر جای مانده است.
- وجود اساطیر عربی، اهتمام به قصه پردازی و شعر داستانی و تشکیل ملیت عرب از جمله انگیزه های ظهور شعر حماسی عرب در عصر حاضر بوده است ضمن اینکه حرکت های نقدی، نظیر نقد تطبیقی در این امر دخالت مستقیم داشته است. از سوی دیگر گرایش جدیدی در شعر حماسی معاصر عرب مشاهده می شود که با رنگ آمیزی های عارفانه همراه بوده و در آثار فوزی معلوف و شفیق معلوف انعکاس شدیدی یافته است.

سپاسگزاری و تشکر:

- با تشکر فراوان از راهنمایی های ارزنده اساتید محترم گروه زبان و ادبیات عربی در تدوین و نگارش این مقاله جناب آقای دکتر سید امیر محدود انوار دانشمند گرانمایه و ادیب فرزانه، جناب آقای دکتر محمود شکیب استاد بزرگوار و اندیشمند عالی مقدار، جناب آقای دکتر فیروز حریرچی محقق بی بدیل و علامه جلیل که روشنگر افق های پر نور در برابرم بود.